

مقدمه‌ای بر کتاب تاریخ صاحب قرانی / نادره جلالی

منبع :

<http://www.ical.ir>

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

عصر قاجار یکی از اعصار مهم تاریخ ایران به شمار می رود. قاجارها طایفه‌ای بودند که هنگام تأسیس سلسله صفویّه در منطقه قراباغ آذربایجان اقامت داشتند و شاه اسماعیل صفوی را در رسیدن به قدرت و حکومت یاری دادند.

از آن پس، آنان طایفه‌ای قدرتمند در تاریخ صفویّه به شمار آمدند و کم کم با افول قدرت پادشاهان صفوی، زمینه قدرت‌یابی آنان فراهم آمد و توانستند تا حدی موفقیت‌هایی کسب کنند اما نتیجه مطلوب را حاصل نکردند تا اینکه با مرگ کریم‌خان زند (۱۱۹۳ ق)، آقا محمد خان قاجار از شیراز گریخت و به استرآباد رفت و در جهت کسب قدرت سیاسی کوشید. او از سال ۱۱۹۳ ق تا ۱۲۱۰ ق پی در پی به سرکوبی مدعیان تاج و تخت پرداخت و سرانجام طی نیندی لطفعلی‌خان زند را شکست داد (۱۲۰۹ ق) و مردم کرمان را قتل عام کرد. در واقع، او با اعمال سیاست زور و تطمیع اوضاع مملکت را سامان داد، وحدت ملّی ایران را دوباره احیا، و مرزهای جغرافیایی ایران را تثبیت کرد، ولی با غفلت از تحولات بین‌المللی و رقابت دول استعماری با یکدیگر که درصدد دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند و تسلط بر کشور هند و یافتن مواد اولیه و بازار فروش بودند، ضربات جبران‌ناپذیری به کشور وارد ساخت، زیرا او بدون توجه به مسائل خارجی تنها هم خود را مصروف اوضاع داخلی کرد. کاترین دوم امپراتور روسیه نیز با استفاده از این فرصت به منظور توسعه نفوذ خود در شمال ایران، تحرکات نظامی خود را آغاز کرد، روس‌ها ابتدا در شمال قفقاز استحکامات نظامی به وجود آوردند و دیری نپایید که روانیچ تاجر به اجازه آقا محمدخان در بندر اشرف (بهشهر کنونی) تجارتخانه‌ای تأسیس کرد. بابا خان (فتحعلی شاه) حاکم مازندران بعد از آنکه از اهداف توسعه طلبانه روس‌ها زیر لوای تجارت باخبر شد و ماجرا را به اطلاع آقا محمدخان رساند، دستور تخریب تأسیسات نظامی روس‌ها را داد. سرانجام روس‌ها بر اثر تهدیدهای دولت ایران استحکامات مزبور را ویران و خاک ایران را ترک کردند. اما کاترین دوم که درصدد تحکیم موقعیت خود در منطقه بود، متوجه گرجستان شد و طی قراردادی با اراکلی خان حاکم آن ناحیه که در اندیشه استقلال و جدایی از ایران بود، گرجستان را زیر چتر حمایت نظامی روسیه درآورد و از او به عنوان تزار گرجستان یاد کرد. از سوی دیگر دولت روس برای جلب اعتماد خوانین ماوراء ارس تلاش ورزید. آقا محمدخان با شنیدن این خبر، نامه‌ای به اراکلی خان نوشت و خواهان قطع ارتباط وی با دولت روس شد ولی چون او زیر بار نرفت، آقامحمدخان عزم نبرد با او کرد و در حمله ای غافلگیرانه وی را شکست داد، سپس در محرم ۱۲۱۰ ق به تغلیس حمله کرد، آنجا را گرفت و غارت کرد.

آقا محمدخان پس از بازگشت به تهران، سرانجام در زمستان ۱۲۱۰ ق تاج‌گذاری کرد و به خراسان رفت تا بقایای بازماندگان نادر شاه افشار از حمله شاهرخ شاه را از میان بردارد. در این ایام کاترین درصدد حمله مجدد به ایران برآمد. در اواخر ۱۲۱۰ ق گداویچ با هشت هزار نیرو به سوی گرجستان حرکت و زرنال زوبوف که برخی منابع ایرانی نام او را «قرل ایاغ» خوانده‌اند، به وی ملحق شد. در همین هنگام که اردوی ایران نیز مهتای نبرد علیه قوای روس

بود، کاترین دوم در جمادی الاول ۱۲۱۱ ق درگذشت و پسرش پل به حکومت رسید . تزار جدید سیاست دیگری در ارتباط با ایران در پیش گرفت و دستور بازگشت سپاهیان روس را از سرزمین ایران داد .

با مرگ آقامحمدخان و روی کار آمدن فتحعلی شاه، فصل تازه‌ای در تاریخ ایران به ویژه روابط دولتی ایران و روس رقم خورد و ایران بیش از پیش کانون رقابت دول استعماری قرار گرفت . ناپلئون برای تسلط بر هندوستان و تحقق آمال خود، باید از ایران می گذشت. انگلستان نیز برای حفظ هندوستان ناگزیر به حفظ نفوذ و دوستی خود با ایران بود و روسیه نیز برای دستیابی به آبهای آزاد جهان خواهان نفوذ در ایران بود.

با مرگ ارکلی خان (۱۲۱۳ ق)، پسرش گرگین خان جانشین او شد. از آنجا که او طرفدار صلح با ایران بود، نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت و خود را حاکمی برای مرزبانی از کشور ایران در قفقاز برشمرد ولی چون فتحعلی شاه فرزند ارشد او را به عنوان گروگان خواست، وی به طرف دولت روسیه بازگشت و عاقبت به موجب عهدنامه ای که بین گرگین خان و تزار روس در جمادی الاول ۱۲۱۴ در تفلیس منعقد شد، داود فرزند ارشد گرگین خان و اعقاب او نایب‌السلطنه گرجستان به شمار آمدند و دولت روسیه به آنان که از طرف تزار بر گرجستان حکومت می کردند، مبلغ ۸۲۰ هزار فرانک پرداخت . دیری نپایید الکساندر که در ایران مشهور به اسکندر میرزا بود، سر از اطاعت برادرش، گرگین خان، که حاکم تفلیس بود، پیچید و به دربار فتحعلی شاه آمد و از وی تقاضای کمک کرد . اما فتحعلی شاه چون در این ایام درگیر سرکوبی مدعیان داخلی سلطنت بود، آنچنان که باید و شاید نتوانست به مسئله و مشکلات ماوراء ارس پردازد و پاسخ مناسبی به الکساندر دهد . بنابراین او خود به ماوراء ارس رفت و نیرویی جمع کرد و علیه روس‌ها به کارزار پرداخت ولی در برابر ژنرال کالیسکوف و ژنرال لازاروف شکست خورد و بار دیگر به ایران آمد .

در شعبان ۱۲۱۵ ق گرگین خان درگذشت و پل تزار روس نیز در ۱۵ شوال همان سال به قتل رسید و فرزندش الکساندر پاولویچ بر تخت سلطنت جلوس کرد . او ژنرال پاول دیمتریویچ سیسیانف را به حکومت گرجستان منصوب کرد که بعدها در میان مردم ایران به «ایشپخدر» معروف شد و نقش مهمی در روابط ایران و روسیه ایفا کرد . الکساندر اول تزار روس بعد از مدت کوتاهی بیانیه الحاق گرجستان به روسیه را امضا کرد و با ایران وارد جنگ شد . بدین ترتیب فتحعلی شاه که بی خبر از اوضاع جهانی روزگار را در سرکوبی مدعیان داخلی و دلمشغولی با زنان حرمسرا می گذراند، درگیر نزاع طولانی با دولت روس شد . نخستین دوره جنگ از سال ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸ ق به طول انجامید و دوره دوم جنگ‌های دو کشور در سال ۱۲۴۱ در گرفت و تا ۱۲۴۳ ق تداوم یافت . حاصل این نبردها صرف نظر از کشتار و ویرانی، به انعقاد دو قرارداد ننگین «گلستان» و «ترکمن‌چای» انجامید و نیمی از سرزمین ایران از دست رفت و سرزمین‌های وسیعی در آذربایجان و ارمنستان از ایران جدا شد .

با توجه به مطالب ذکر شده در باب تاریخ عصر حکومت فتحعلی شاه علت اهمیت و توجه محققان و پژوهشگران به این دوره تاریخی مشهود است . از آنجا که برای نگارش تاریخ این دوره و ترسیم اوضاع نابسامان ایران بررسی و پژوهش منابع تاریخی آن عصر ضروری است، اهمیت متون تاریخی آن عصر نمایان است.

با نگاهی به منابع و مآخذ عصر فتحعلی شاه در می‌یابیم کتب بسیاری به دستور این پادشاه قاجاری در زمینه تاریخ و ادبیات به رشته نگارش درآمده تا شوکت، اقتدار و قدرت ایل قاجار به تصویر کشیده شود و از دیگر سو آنان را

طایفه‌ای اصیل و شایسته فرمانروایی معرفی کنند. ویژگی مشترک این منابع، ذکر اصل و نسب قاجاریان و شرح قدرت‌نمایی‌های آنان برای کسب قدرت و پیروزی آقا محمدخان بر رقیبان و تأسیس سلسله قاجار است. برخی از این منابع به چاپ رسیده اند و در دسترس محققین و پژوهشگران قرار دارند که عبارتند از: تاریخ ذوالقرنین تألیف میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی منشی فتحعلی شاه که حوادث تاریخی سلسله قاجار را تا ۱۲۶۷ ق در بردارد. دنباله آن به نام «خاتمه روزنامه همایون» در شرح احوال فرزندان و نوادگان و امرا و وزرای فتحعلی شاه است.

تاریخ جهان‌آرا تألیف میرزا محمدصادق مروزی وقایع نگار که مشتمل بر دو جلد است و وقایع دوره سلطنت فتحعلی شاه را از ۱۲۱۲ تا ۱۲۳۳ ق در بردارد. نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه مملی تحت عنوان «رطب‌السان» موجود است که کامل نیست و وقایع ده سال نخست فتحعلی شاه را داراست. تاریخ جهان‌آرا در باب تاریخ جنگ‌های ایران و روس حائز اهمیت است.

مآثر سلطانیّه تألیف عبدالرزاق دنبلی. مؤلف از آنجا که در دیوان انشای عباس میرزا نایب‌السلطنه کار می‌کرده و در آذربایجان حضور داشته و وقایع تاریخ قاجار را تا ۱۲۴۱ ق نگاشته به تفصیل نیز راجع به جنگ‌های ایران و روس سخن گفته است. این کتاب به زبان انگلیسی ترجمه و در ۱۸۳۳ در لندن به چاپ رسیده است.

تاریخ محمدی یا احسن التواریخ تألیف محمدتقی ساروی که مؤلف آن را به دستور فتحعلی شاه در شرح خاندان قاجار از ابتدا تا آغاز سلطنت وی نگاشته است. ادامه این اثر به نام تاریخ فتحعلی شاه توسط همین نگارنده نوشته شده که شامل تاریخ دوره حکومت فتحعلی شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۷ است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است.

ناسخ‌التواریخ تألیف محمدتقی خان سپهر از معروف‌ترین منابع قاجاری است که به تفصیل به شرح وقایع دوران فتحعلی شاه پرداخته و حوادث تاریخی را تا عصر ناصری ادامه داده است.

اکسیرالتواریخ تألیف علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه از پسران فتحعلی شاه که کتاب را به دستور محمد شاه قاجار درباره وقایع تاریخ قاجاریّه از ابتدا تا سال ۱۲۵۸ ق نوشته و بیشتر به شرح احوال شاعران و شاهزادگان و شعرای آن دوره پرداخته است.

اشرف‌التواریخ تألیف محمدتقی نوری نیز از مفصل‌ترین منابعی است که به دستور محمد ولی میرزا حاکم خراسان درباره دوره نخستین فرمانروایی قاجارها به ویژه فتحعلی شاه نوشته شده است. این اثر به جهت درج وقایع مربوط به دوره حکومت محمد ولی میرزا در خراسان در طی سالهای ۱۲۱۸ تا ۱۲۳۱ ق حائز اهمیت است. از دیگر ویژگی‌های کتاب ذکر شرح حال امرا، منشیان، مستوفیان و بزرگان است که با محمدولی میرزا همکاری داشته‌اند.

با وجود این آثار منتشره، هنوز شمار زیادی از منابع مهم این عصر منتشر نشده اند که چاپ و انتشار آنها جهت پژوهش این دوره تاریخی سودمند است و سبب می‌گردد تا پژوهش‌های دقیق‌تری در زمینه تاریخ عصر قاجار به عمل آید. تاریخ صاحبقرانی از جمله این منابع است که می‌تواند راهگشای پژوهشگران و مورخان برای بررسی بخشی از تاریخ قاجاریه باشد.

شرح حال مؤلف

محمود میرزا قاجار پسر فتحعلی شاه (حک: ۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ق) و مریم خانم بود. این بانو از زنان یهودی شیراز بود که به دین اسلام گروید و به واسطه زیبایی خاصی که داشت به دربار قاجار راه یافت و ابتدا به عقد آقامحمدخان قاجار درآمد. چون آقا محمدخان در قلعه شوشی به قتل رسید، فتحعلی شاه و برادرش حسین قلی‌خان هر دو خواستار این بانو شدند. از این رو، بین دو برادر اختلاف افتاد اما در این بین، بخت با فتحعلی شاه یار بود و توانست بر رقیب پیروزی یابد و مریم‌خانم را به عقد ازدواج خود درآورد. حاصل پیوند فتحعلی‌شاه با این بانو یازده فرزند بود که پنج تن از آنان در زمان حیات فتحعلی شاه درگذشتند و چهار پسر و دو دختر باقی ماندند: همایون میرزا متخلص به حشمت، احمدعلی میرزا متخلص به احمد، جهانشاه میرزا متخلص به جهان، محمود میرزامتخلص به محمود (مؤلف همین کتاب)، شاه بیگم ملقب به ضیاءالسلطنه زن میرزا مسعودخان انصاری گرمرویی دومین وزیر امور خارجه و سلطان بیگم زن مهدی‌قلی‌خان قاجار دولو.

محمود میرزا در روز سه شنبه ۱۲ صفر ۱۲۱۴ق متولد شد. چهار ساله بود که فتحعلی شاه او را به صدراعظم خود میرزا محمدشفیع مازندرانی سپرد تا زیردست وی تربیت شود. محمود مرکزها در این باره می‌نویسد:

چون دبیر عطاردقلم صدراعظم میرزا محمدشفیع وزیر به توسلی می خواست راه امان و سلامت جان از عقبات خسروانی و از مکافات شاهانه حاصل نماید که هنگام کج خوانی نویسندگان بدگو نجات و در دولت خود ثباتی یابد، چاره جز پرستاری یکی از نوباوگان سلطنت که مهمش یاری و بهر کاری قرار دهد، ندید. لابد صورت مدعا را به لباس درست درآورده، در موقعی که دعایش به هدف اجابت مقرون و مدعایش میسر آمد، به عرض قبله حاجات شهنشاه کیهان خدا جلوه داد، از طریق رضاجویی امر ملکی به پرستاری و نگه داری ملک‌زاده‌ای رفت و جنابش از چهل و شش پسر مختار فرمودند که هر کدام به عاقبت اندیشی او محمود آید، اختیار کند. چشم متاع‌بینش در دگان هنر به من افتاد و از کاخ شاهانه به کلبه محقرانه خود منزل داد. محمود میرزا مدت دوازده سال در خانه صدراعظم ماند و در طی این مدت گاهی در رکاب مستطاب شهریاری به سفر می رفت که از آن جمله می توان به دو سه سفر وی به تبریز و اوجان، سه چهار سفر به چمن سلطانی و دو سه سفر به خوش بیلاق و بعضی از نواحی خراسان اشاره داشت. او همچنین به فراگیری علوم مختلف همت گمارد و محضر اساتیدی چون میرزا عبداللطیف لاریجانی، حاج علی اکبر خویی، ملا حاجی محمد اصفهانی، میرزا رضای مجوس، ملا مراد خراسانی، میرزا ابوالقاسم همدانی، ذبیح نهایندی، ملا حسن علی مازندرانی، میرزا عبدالوهاب نشاط و میرزا یوسف طرب را درک کرد. خط تعلیق را نزد میرزا عبداللطیف لاریجی، کتاب علیشیر نوایی و اشعار ترکی را نزد حاجی علی اکبر خویی آموخت، ملا حاجی محمد اصفهانی به وی آداب قرائت و رسوم عبارت را آموزش داد، میرزا رضای مجوس ریاضی اقلیدس و ملا مراد محکمت و متشابها و ملا مراد خراسانی علم اخلاق را به وی تعلیم دادند. بدین ترتیب محمود میرزا در زمره یکی از شاهزادگان با فضل قاجاری درآمد، او در سال ۱۲۲۹ق به حکومت نهایند رسید و به امید آنکه کم‌کم ولایات دیگر به قلمرویش افزوده شود، روزگار را سپری کرد اما مرگ صدراعظم در قزوین، امیدهای وی را به یأس تبدیل کرد و او به ناچار به همان حکومت نهایند قناعت ورزید. محمود میرزا به تفصیل در کتاب «گلشن محمود» و «تذکره السلاطین» راجع به این مسئله سخن گفته است. محمود میرزا از سوی دیگر برای آنکه بتواند نظر شاه را به طرف خود معطوف نماید و بر برادران خود فایق آید، چندی به اسب تازی و تیراندازی پرداخت و فن سپاهیگری آموخت و در این راه به مرتبه ای رسید که سران سپاه به استادی وی اعتراف کردند ولی با این وجود آمالش تحقق نیافت. از این رو، می نویسد: «با این همه رنج به من ماند و شاه همه دان و همه بینم آفرین

نخواند «پس اوقاتش را به مشق خط مصروف ساخت و در این راه چنان پیشرفت کرد که ارباب فن از آن لذت برده و خوشنویسان آن را سرمشق خود قرار دادند . مدتی نیز به آموختن علم نجوم، طب و حکمت الهی پرداخت و در این راه تلاش زیادی ورزید اما باز چنان که خود تصریح می‌کند «چون از قوه به فعل آمد بر هر که سرودم که طبیبم، تن به درد می‌داد و رو به درمانم نمی‌آورد؛ بر هر که گفتم حکیمم، به ننگ قشرین رضا می‌داد و به سوی حکمتم نمی‌دید.» از این رو، به کارهای عمرانی روی آورد و عمارات خوب و قصرهای زیبا ساخت . او «ضرایخانه نهاوند» را احیا و راه اندازی کرد و علامت آن را هم «ماه بصر» قرار داد . قلعه نهاوند را با نام جدید «روئین‌دژ» در سال ۱۲۳۲ق از نو بنا کرد . او این دژ را مرکز قدرت نظامی خود ساخت و مبلغ هشتاد هزار تومان صرف بازسازی آن کرد. محمود میرزا درباره این بنا در کتاب خود تذکره السلاطین چنین گزارش می‌دهد:

برج و باره همکفه گنبد هرمان که از یک پارچه سنگ رخام است، و یک رویش دیواری ده زرع قطر و سی ذرع ارتفاع مسمی به روئین دژ مشتمل بر انبارهای لاتعد مشحون از امتعه و اطعمه و مملو از مستحبات واجبه و میردات لازمه، ایوان‌های زراندود و قصرهای آینه آمود. بروجش از ارتفاع همدوش بروج افلاک و صحونش آرایش ده عالم خاک، به علاوه سالی نود هزار عمده در مدت هشت سال به خرج سرکاران حسابی مقرر آمد که افزون از چهار هزار تومان اجرت آنها شده که سی و دو هزار تومان اجرت عمده آن شد . سایر اجرت از قبیل بنا و حجّار و قیمة سنگ و مصارف دیگر را از این رو قیاس می‌توان نمود. شاید در صفحه امکان مکانی به این دلنشینگی موجود نباشد و وجود مثلث مفقود باشد . در گورستان قدیمی شهر نهاوند بر روی مزار پاشا خان نواده محمود میرزا سنگی موجود است که کتیبه بنای روئین دژ است و معلوم نیست چرا به جای سنگ قبر به کار رفته است . متن سنگ چنین است :

حسب‌الحکم شاهزاده محمود میرزا قاجار و خانی والاتبار فی شهر ۱۳ صفر سنه ۱۲۳۲ ق وفات مرحمت و غفران‌پناه، خلد آشیان شاهزاده پاشاخان امیر تومان غفرله خلف مرحمت پناه، رضوان آرامگاه، شاهزاده حاجی محمدزمان میرزا نواده شاهزاده محمود میرزا،

در زمانی که حسام ملک در روی زمین از حوادث شده روئینه دژ دولت و دین
ماه شاهان جهان فتحعلی شاه که هست از جهانیان، به جهان‌دادگری پاک‌آئین
آنکه شد حضرت او سجده‌ده یال نیال آنکه شد سدره او تکیه‌گه جان مکین
شاه محمود که شد دست همایون فرزند هان چه فرزند که منصوبه شاهان فرزین
در نهاوند که از عدل قوی پنجه او پنجه عرش بزد پنجه به فردوس برین
زر برافشانند و برافراخت بر این روئین‌دژ که پی و پایه به ماهی و مهش گشت قرین
بارپی گر شودش وهم کسی بام‌گرای خندقی گر بودش هوش بسی بوم‌گزین
الغرض دید چو آرایش بنیاد جنان الغرض یافت چو پیرایه اتمام چنین
که بود کاووس از هیبت کیوان بهرش گه شود قارن از ناله قارون بانین

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت که بود ثانی روئینه دژ این حصن حصین یوسف

هاوندی متخلص به انیس نیز درباره احداث این قلعه سروده:

روئین دژی بنا کرد محمود شاه قاجار

زان سان که بُرد غیرت بر وی سپهر دوار

آبش به روحبخشی روشن چو آب کوثر

خاکش به عطربیزی دلکش چو مشک تاتار

پیش چنین خدیوی در این مکان عالی

دیگر مگوی ای دل از سنجر و ز سنجار

خه‌خه چه طرف حصنی! معمور و نغز و محکم

کآمد ز بدو ایجاد دست قضاش معمار

در آن دژ همایون چون ساز سور سازند

زهره به رقص آید ز آواز بریط و تار

کلک انیس شادان تاریخ آن رقم کرد

«روئین دژی بپا کرد محمود شاه قاجار»

با توجه به مصرع آخر تاریخ بنا سال ۱۲۸۳ می‌شود از آنجا که انیس نهاوندی به قولی در سال ۱۲۳۸ و به روایتی ۱۲۳۷ ق درگذشته، این تاریخ صحیح به نظر نمی‌آید، از سوی دیگر نیز به استناد تاریخ سنگ نبشته‌ای که از این اثر باقی مانده تاریخ تعمیر این قلعه سال ۱۲۳۲ ق است که باز با ماده تاریخی که انیس نهاوندی ذکر کرده مطابقت ندارد. ملّا حسن نهاوندی معروف به معلّم نیز دو بیتی درباره اتمام بنای روئین دژ سروده:

همایون برج روئین دژ ز رفعت رشک گردون شد

ز رشک ارتفاعش چرخ گردون را جگر خون شد

حسن بنوشت تاریخ از برای سال اتمامش

بهین برجی همایون از همایون شد همایون شد

محمود میرزا در سال ۱۲۳۹ ق مدرسه ای نیز به نام «مقام محمود» یا «محمودیه» در محله راسته آمیرزا آقا ساخت که محل تجمع طلاب و علمای بزرگ عصر خود بود و علاوه بر طلاب نهاوند عده زیادی از طلاب شهرهای مجاور نیز برای کسب دانش به آنجا آمده و مشغول تحصیل می شدند. این مدرسه تا سال ۱۳۱۲ ش پا برجا بود و در این سال به وسیله آقای مینایی، رئیس فرهنگ وقت، مدرسه جدیدی به جای آن ساخته شد. ابتدا دبستان شش کلاسه ای به نام «دبستان سعدی» و سپس «دبیرستان فیروزان» فعلی در آن دایر گردید. در بتدای درب ورودی سالن سمت راست در اطاق کوچکی سنگ نبشته‌ای بر دیوار نصب شده که سنگ بنای مدرسه مذکور است. متن آن چنین است:

حسبالحکم شهنشاه زاده عادل عالم محمود میرزای قاجار این مدرسه مسمی به مقام محمود به اتمام رسید
«و من اللیل فتهجد نا فله لک عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً» سنه ۱۲۳۹ ق پرورده نعمت عبداللطیف
لاریجانی ،

«باغ شاه» از دیگر مستحدثات محمود میرزا در نهاوند بود که خود راجع به آن می نویسد:

باغ شاه حسب الامر پادشاهی به اتمام رسید. بیش از صد هزار نهال در آنجا مغروس است. در عرض باغ مذکور رودی به مقدار پنجاه سنگ آب جاری است و متصل سیلان دارد. عمارت رفیع بسیار بزرگی در وسط آن گلستان واقع است مسمی به روضه خاقان و دیوار قلعه مانند که خرد خرده بین از تماشایش محو است و چشم دورنگر از نظاره اش واله و شیدا، زیاده از ده هزار تومان به مخارج آن مصرف شده است ،

محمود میرزا در تذکره السلاطین از آثار دیگری که خود بنا یا تعمیر کرده سخن گفته است که از آن جمله قصری به نام پسرش مسعود میرزا، «منظر محمود» که به اسم خودش خوانده، «گلشن احمد» به اسم برادر کهنرش، «بازار ضیا» نزدیک به تیمچه همایون، «تیمچه همایون» واقع در کنار دیوار قیصریه ابتدای بازار بزازها، بقعات «بقعه امامزاده محمد»، «امامزاده سراب گیان معروف به بابا احمد»، «شیخ ابوالعباس نهاوندی» و «بدیع الزمان» می توان اشاره داشت ،

آرامگاه امام زاده محمد فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع) واقع در بازار مسگر ها در ضلع خاوری قیصریه است ، هنگام ورود به آستانه بیرونی آرامگاه باید از میان دو لنگه در قدیمی رو به قبله که احتمالاً مربوط به زمان محمود میرزا قاجار است، گذشت. گنبد فعلی بنا نیز به فرمان محمود میرزا ساخته یا تعمیر شده است و اشعاری از ملاحسن معلّم در اطراف بقعه دیده می شود که تاریخ تعمیر آن را می رساند: «زد رقم خود از پی تاریخ تعمیرش حسن». این امامزاده در بین اهالی به «طالب کش» نیز معروف است. حاج شیخ علی اکبر نهاوندی علّت شهرت این امامزاده را به این نام در کتاب خود بیان رفیع چنین شرح می دهد:

بنابر آنچه که این حقیر از والد مرحوم که خودش در زمان وقوع قضیه واقف بوده، شنیدم و جماعت کثیری از معمرین را هم به آن مرحوم در این قضیه هم قول دیدم، آن است که در زمان خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار که ابناء سلطنت هر کدام در بلد حکومت داشتند، حکومت نهاوند با محمود میرزا که از پسران خاقان است، بوده و در اوقات توقفش در آنجا یکی از فرزندانش که کمال محبت و علاقه را به او داشته مریض می شود به حدّی که تمام اطّیای حاضرالوقت از معالجه او عاجز می گردند، پس یکی از اجزاء اداره حکومت که آدمی راسخ الاعتقاد و از اهل بلد بوده

خدمت محمود میرزا معروض می‌دارد که امامزاده‌ای است در اینجا که قبرش در میان بازار و به بودنش از فرزندان موسی بن جعفر (ع) اشتها دارد، امید است که اگر برای بقعه مبارکه ایشان نذری نمایم و شفای آقازاده از جنابش بخواهید، نذر شما به ذروه قبول نائل گردد و این آقازاده را بری از مرخص حاصل گردد. پس محمود میرزا چنین نذر می‌کند که اگر این فرزند مرا شفا حاصل شد، یک عدد قندیل از نقره که وزن آن نیم من سنگ تبریز باشد از برای بقعه آن امامزاده ترتیب داده و در سقف بقعه آویزان نماید. چون نذر او محقق شد، آنآ فآنآ حال آن مریض رو به بهبودی نهاده و در اندک وقتی صحیح و سالم گردید. پس محمود میرزا به نذر خود وفا می‌کند و قندیلی که وصف شد، ترتیب داده و خودش وارد آن بقعه شده و بعد از زیارت نردبان طلبیده و به دست خود آن قندیل را در سقف آن بقعه آویزان نموده و بیرون آمده و چون چند روزی از این مقدمه می‌گذرد، شخصی که طالب نام داشت و به قطاع‌الطریقی و دزدی در نزد اهل نهاوند معروف بوده، از این معنی مطلع می‌شود و در خیال سرقت آن قندیل نقره می‌افتد... چون می‌خواهد زنجیر آن قندیل را باز کند، ناگاه صدایی عظیم و هولناک از میان صندوق چوبی که بر بالای قبر آن امامزاده گذاشته شده است بلند می‌شود به نحوی که طالب را دهشت و وحشت گرفته و بدنش مرتعش شده و از کار می‌افتد و از بالای نردبان در میان بقعه به زمین افتاده و فی‌الغور به درک واصل می‌شود... خبر به محمود میرزا رسانیدند... پس محمود میرزا امر نمودند که نقاره شادی زده و کوس عشرت نواختند و شهر را آئین بسته و چراغان نمودند و از آن روز تا حین کتابت، آن امامزاده آزاده به امامزاده طالب‌کش معروف است.

«قیصریه» که به معنی راسته بازار بزرگ است از دیگر احداثات محمود میرزا بوده که امروزه به جز نام و دو چنار کهنسال آثاری از آن برجای نمانده است. حیاط قیصریه نسبتاً بزرگ بوده و دور تا دور آن را حجره‌هایی احاطه کرده بوده است. حجره‌های سمت جنوب و شمال باختری آنکه پشت به مسجد امام حسن (ع) داشت دو طبقه و با آجرهای زیبایی نقش‌بندی شده و طاق‌های آن به صورت ضربی بود. در دو سمت دیگر بازارچه‌های سر پوشیده‌ای وجود داشت که به صورت عمود بر هم احداث شده بودند. در اصلی این بنا در میان بازار چهارسو، در سمت شمال آن در میان بازار نچارها و در جنوبی در ابتدای بازار بزازها باز می‌شد. قیصریه عمدتاً محل داد و ستد تجار بزرگ بود و تا قبل از سال ۱۳۳۰ عده‌ای از کسبه در آن به کسب و کار مشغول بودند. این بنا در یک آتش‌سوزی مهیب تخریب شد و آثار باقی مانده آن هم با کشیدن خیابان به طور کلی محو شد. ابتدا نام آن خیابان ششم بهمن و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان سعدی تغییر نام داد.

«مسجد محمود»، «کاخ همایون» و چند حمام و کاروانسرا از دیگر بناهایی است که این شاهزاده فاجاری در نهاوند احداث کرد که امروزه متأسفانه تعداد اندکی از آنها باقی مانده است. محمود میرزا کاخ همایون را نیز به نام برادر کهنتر خود نام‌گذاری کرد و آن را چنین توصیف می‌کند:

دیگر کاخ همایون که مسمی به اسم کهنتر برادرم همایون میرزا است، آراسته تر از پر همایون و پیراسته تر از باغ انگلیون اگر گویم سلسبیلش مجاور صحن و ایوان است سزا خواهد بود و اگر گویم تسنیمش بنده سرا به جا باشد. غرفات و تالارش کانهن غرفات‌الجنان و شرفات ایوانش کانهن الیاقوت و المرجان.

ز هر نقشش پذیرا طرف دامن

نه در چین همچونوی و ارمن

محمود میرزا صرف نظر از کارهای عمرانی، به تألیف دو کتاب سفینه‌المحمود و بیان‌المحمود نیز همت گماشت و آثاری از نظم و نثر در حدود چهل هزار بیت به رشته نگارش درآورد و در آنها مطالب زیادی راجع به نهاوند و شرح احوال و اشعار چند شاعر نهاوندی مانند امید نهاوندی، آشنای نهاوندی، پرتو نهاوندی، تراب نهاوندی، حسن نهاوندی، ساحل نهاوندی، طرفه نهاوندی، شیدای نهاوندی و مونس نهاوندی ثبت کرد. اما از آنجا که از طریق نگارش کتب نیز نتوانست نظر همایونی را به سوی خود جلب کند، آزرده خاطر شده تا جایی که در خاتمه کتاب سفینه‌المحمود از بی‌مهری روزگار و عدم توجه شاه به تلاش‌های خود شکوه آغاز کرده:

یکی نغز کشتی برافراشتم

دو دریا ولی در وی انباشتم

شد این ژرف دریا سفینه بنام

سفینه که دریا برارد ز کام

جهان در جهان گوهران خوشاب

درخشان‌تر از گوهر آفتاب

ابا آنکه جانی دژم داشتم

همه روی در روی غم داشتم

پیشان و پژمان و ناسازمند

همه جان ز دژخیم گردون نژند

ندانم جهانم چه خواهد همی

تن و جان من چند کاهد همی

چنین خون دل چند نوشم ز جام

چنین زهر غم چند ریزم به کام

چنین باشد تن بدین درد و رنج

ز ناسازی چرخ بینم شکنج

همه روز پژمان همه شب دژم

نه تاب شکیب و نه پایان غم

نشد شاهم آگه ز خون سرشک

وگر شد نشد هیچ گاهم پزشک

بدین روز در سالیان دراز

همه روز بردم به دارا نیاز

مگر شاه روزی بخواند مرا

وزین تیره‌روزی براند مرا
بَرَم تا به رامش مگر یک دو روز
نخواند مرا ماند چندین بسوز
چه ناله است محمود از روزگار
چرا بود باید چنین سوگوار
کنون شاه ایدر خداوند ماست
مهین مایه بود و پیوند ماست
اگر چند در روزگار دراز
به درگاه او باز گفتم نیاز
همانا نه خوش داشت زاری من
نبخشید بر سوگواری من
کنون نیز داند تواناییم
وزین بیش اندر شکیباییم
به چشم ار یکی گردش آرد ز مهر
دگرگونه گردد نورد سپهر
به هر بویه برگ و نوا آورد
سر آسمان زیر پا آورم
سر از رأی من گر بنابد سپهر
به کین تیره سازم رخ ماه و مهر
همه زندگانی به شادی برم
به رامش همه شب به روز آورم
ستایش کنم روز و شب بر به شاه
کله‌گوشه زان بر فرازم به ماه
هماره جهاندار پاینده باد
جهانش به‌جان روز و شب بنده باد
دل بندگانش مبادا دژم
مبّراد از جانشان مهر جم
بویژه ز محمود ناسازمند
به مهر جهان شهریار آزمند

در جای دیگری در همین اثر در باب عدم نتیجه از کار خود سروده:

دنیا طلبیدیم و به مقصد نرسیدیم
آیا چه بود آخرت ناطلب ما

محمود میرزا از آنجا که خود طبع شعر نیز داشت، میرزا محمدتقی خان سپهر مؤلف کتاب *تواریخ* را از کاشان به نهایند فرا خواند. لسان‌الملک به نهایند رفت و به خدمت او درآمد و به تعلیم و حمایتش پرداخت و در نشو و نمای وی تلاش و کوشش کرد. محمود میرزا نیز به وی تخلص «سپهر» داد و بارها در آثار خود از جمله سفینه‌المحمود از او تعریف و تمجید

به میان آورد تا آنجا که:

او را مشتری آسمان سخن و عطارد فلک نظام می‌داند که در قواعد شاعری آخرین پله فصاحت و بلاغت را به دست آورده و در اجرای قصاید و امضای فراید با ملک الشعرا هم گفته و انباز است ،

سپهر هم به پاس قدردانی از وی، دیوان محموده‌القصاید را در اول نوروز ۱۲۴۱ ق به او تقدیم داشت، محمود میرزا تا سال ۱۲۴۱ ق حاکم نهاوند بود اگر چه در کنار این اقدامات عمرانی و تألیفات علمی، مؤلف تاریخ ذوالقرنین مطالبی گلابه‌آمیز پیرامون ظلم و ستم وی به ویژه ستمی که محمود میرزا نسبت به خود وی روا داشته گزارش می‌دهد:

در اواسط شهر جمادی‌الاول سنه یکهزار دویست و چهل و چهار، موکب ظفرشعار به آن سامان و دیار شتافت و در روز ورود موکب انجم‌حشم به دارالایمان قم، این بنده خدمتگزار با اهل و عیال بی‌شمار از سامان نهاوند و ولایت الوار به طریق فرار از آن دیار و شرفیاب درگاه فلک‌مدار شاهنشاه تاجدار مورد تفقدات بی‌شمار آمد. تبیین این مقال آنکه بعد از مدت سه سنه افزون که در آن دیار به مباشری افتادم و آدابی نیکو، که موجب مزید امیدآوری رعیت و دعاگویی دوام دولت ابدآیت بود، نهادم، از وفور حق‌شناسی نواب شاهزادگان آزاده محمود میرزا و همایون میرزا، اوضاع سی ساله نوکری دربار دولت جاوید را بر باد دادم و مدت هفت ماه در قلعه رویین‌دژ نهاوند که از مستحدثات محمود میرزای ارجمند است، محبوس بودم و از زندگی و زندگانی مأیوس. بالاخره حضرت صاحبقران دادرس به توسط امینیان شوکت خداداد به دادم رسید و به نوشته و پیغام مهربان و حمایت هماسیگان فرار اختیار کرده، بخت سعیدم به آستان خلافت‌نشان کشید .

در ادامه نیز می‌نویسد:

بی لطفی او به جایی کشید که دو دفعه در لرستان و نهاوند قاصد جانم گردید به انواع لطایف‌الحیل از چنگ او رستم و به چاکران درگاه صاحبقران روزگار پیوستم .

او همچنین در کتاب دیگر خود تذکره خاوری محمود میرزا را اینگونه توصیف می‌کند:

در اجرای سیاست زیاده سفاک بود... مجرمین را در دیگ آب نهاده، جسم ایشان را از جوش آتش می‌فرسود ،

محمود میرزا سرانجام در ۱۲۴۱ ق، حکومت نهاوند را به برادر خود جهانشاه میرزا متخلص به «جهان» و به نوشته عبدالرزاق دنبلی به همایون میرزا متخلص به «حشمت» سپرد. او اگرچه به طور مستقیم علت یأس و بدبینی خود را ننوشت ولی چنان‌که

از فحوای کلامش پیداست از نزدیکان خود رنجیده‌خاطر شده است، زیرا می‌نویسد:

با عمر بیست و هفت سال ملالی که در هزار و پانصد سال به نوح رسید به من وارد، و کمالی که دیگران به هزار سال از برایشان ثابت درین عمر قلیل از برایم میسر. صاحب خردی اگر بیند داند که دردم از کجاست و شکایتم بجاست، به اجرای این بیت سررشته به دست دوستان می‌دهم:

من از بیگانگان هرگز ننام

که با من هر چه کرد آن آشنا کرد

محمود میرزا در یکی از غزل‌های خود از بابت اینکه حاسدان و دشمنانش به کناره‌گیری او از حکومت نیاوند اکتفا نکرده، ابراز ناخرسندی کرده است:

خدا ای کاش ننماید به محمود
اگر مرگش بود چون زندگانی

محمود میرزا پس از واگذاری حکومت نیاوند، با دادن یکصد هزار تومان به شاه از سوی وی به حکومت لرستان فیلی منصوب شد. متن فرمان به قلم سحر و شیوه نگارش میرزا محمد نائینی (۱۲۶۷ - ۱۱۷۳ ق) تحریر شده است. از این فرمان

تا حدّی شرایط اجتماعی لرستان آن روز و خصوصیات و طرز رفتار شاهزادگان قاجار با مردم نمایان می‌شود. مهم آنکه قبل از صدور فرمان عده‌ای از اهالی لرستان نگرانی خود را از حکومت محمود میرزا به عرض شاه می‌رسانند. متن حکم مشتمل بر نصایح ملوکانه و تعرضات تربیت نشانه به افتخار نواب شاهزاده محمود میرزا سمت ترقیم یافته است:

آن فرزند مسعود از خدمت همایون استدعای تفویض لرستان نمود و در اسعاف اقدام واصراری به تقدیم رسانیده، نظر به شمول کمال مرحمت و مشهود اینکه در خدمات سابق آن فرزند نظمی حاصل بوده و از عهده انتظام ولایت متعلقه به خود برآمده، و امور زندگی و کار و بار خود را نیز نظمی داده، و بدین وسایط به مزید عقل و کاردانی مشهود نظر مهرشهود افتاده بود، و در طی استدعای مزبور بعضی تعهدات دیگر نیز از این قبیل که هرگاه امر لرستان به او محول شود با استعداد همان جا از عهده خدمات کلی در سرحد عراق عرب بر می‌آید و نیز به واسطه بی اهتمامی و پریشانکاری مباشرین سابق در این چند سال امر لرستان از نظمی که بایست و انضباطی که شایسته مهم آن سرحد باشد، نداشت. بدین موجبات استدعای آن فرزند را مقرون درجه قبول داشتیم و مهم آنجا را به کفایت او موکول گذاشتیم. اگرچه ادعای آن فرزند این بود که تمامی اعیان لرستان خواهان او می‌باشند، و در این وقت که جمهور اهالی محال مزبور شرفیاب خاکیوس دربار جهاندار شدند، توحشی از آن فرزند داشتند بالمشافه‌العلیه از جانب آن فرزند آنها را اطمینان داده همگی را روانه نزد او فرمودیم.

طی این فرمان شاه به فرزند خود موقعیت سرحدی لرستان با خوزستان و مجاورت آن را با کرمانشاه یادآور شده و به او توصیه می‌کند که در بند تدارک مخارج و در بند مداخل و درآمد نباشد بلکه جلب منافع کلی از آنجا نماید، زیرا فایده صاحب‌اختیاری لرستان نوکرداری و قوت ایل‌داری و اسم و رسم و شهرت است نه اخذ مال و جلب منفعت. همچنین به محمود میرزا توصیه کرد باید مردم‌داری کند و بداند که با استظهار رعیت نیاوند از عهده پنجاه تا شصت هزار ایل فیلی نمی‌تواند برآید، دیگر آنکه باید لرستان را خانه خود بداند و اگر اندک خلاف قاعده از او نسبت به اهالی آنجا معروض، و سیاقی ملاحظه شود که محلّ نظم سرحد و موجب اغتشاش کار آن ولایت باشد، باز از حکومت آن ناحیه معزول خواهد شد. بدین ترتیب محمود میرزا به لرستان رفت و محمدتقی خان سپهر نیز با وی عازم خرم‌آباد شد. در سال ۱۲۴۲ ق بود که

محمود میرزا با برادر بزرگ‌تر خود محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه، حاکم بروجرد و بختیاری، بر سر لرستان درگیر جنگ شد. به گفته سپهر چون قبیله سگوند با قبیله ساکی اختلاف پیدا کرد و از هر دو قبیله تعداد زیادی کشته شدند، افراد قبیله سگوند نزد حسام‌السلطنه رفته و او را به طمع و طلب اراضی تحریک کردند تا اراضی هرو را از طایفه ساکی گرفته و به آنها بدهد. قبیله ساکی نیز پناه به محمود میرزا بردند. حسام‌السلطنه به هرو رفت و محمود میرزا نیز سپاهی از مردم فیلی گرد آورد و به رزم برادر شتافت تا خاک هرو را تصرف نماید. اما سپهر برای

گرفتن میانه دو برادر راهی هرو شد و چنان که می نویسد:

با سخنانی که ضرغام را رام توان کرد و پلنگ را از آشفتگی باز توان آورد، خدمتش را از اوج طلب و غضب هابط ساختم و چنانش با برادر به مهر و حفاوت کردم که با چند تن از غلامان خویش آهنگ خرم آباد فرمود و این بنده را ملتزم رکاب ساخته تا قلعه خرم آباد بتاخت. هر دو برادر یکدیگر را دیدار کرده، روزی چند به شادکامی به پای بردند و حسام السلطنه مراجعت به بروجرد فرمود ،

اما دیری نپایید که آتش زیر خاکستر دوباره مشتعل شد و بار دیگر بین دو برادر جنگ درگرفت. شیخعلی میرزا و همایون میرزا به حمایت حمایت از محمود میرزا وارد عرصه نبرد شدند. حسام السلطنه با چهارده هزار سپاهی از قبایل باجلان و بیرانوند و سگوند و یاراحمدی و هفت لنگ و چهارلنگ بختیاری و محمود میرزا با ده هزار سپاهی از قبایل حسنونند، کاکاوند و ساکی و چواری و بیرانوند و جماعتی از قبایل پشتکوه به سرکردگی حسین خان فیلی آماده کارزار شدند. محمود میرزا ابتدا برادر دیگر خود جهانشاه میرزا را با چهار هزار سوار و پیاده به مقابله لشکریان حسام السلطنه فرستاد اما او که سرکرده سپاه بود، در حمله اول بر اثر بی تجربگی شکست خورد، به ملایر گریخت. با فرار او، محمود میرزا شکست یافته و قلعه خرم آباد به تصرف حسام السلطنه درآمد. فتحعلی شاه از آنجا که محمود میرزا را مقصر می دانست، وی را از حکومت لرستان معزول، و حسام السلطنه را به حکومت لرستان منصوب کرد. محمود میرزا در مورد قهر و غضب پدر خود می نویسد:

هنگام فتنه روس که هرکسی به دربار خسروانی احضار و با عسکر و لشکر در دارالخلافة اجتماع ملک زادگان اتفاق افتاد، در آن هنگام مرا توفیق زیارت میسر و رفیق نشد ،

محمود میرزا در دوران حکومت خود مقبره محمد بن احمد بن رضی الدین از اعقاب امام موسی کاظم (ع) (معروف به حیات الغیب را تعمیر کرد. این مقبره در دهکده «قالبی» واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری خرم آباد و بر ساحل غربی رود کشکان، بر بالای تپه ای سنگی، در امتداد کوه «کیره» واقع است. این بنا یک بار به دستور محمود میرزا تعمیر شده و بر سنگی تاریخ آن چنین نوشته شده است: «کل فعاله محمود بالله، حسب الحکم شاهزاده محمود میرزای قاجار در سال هزار و دویست و چهل و سه سرکاری، این بنای امامزاده حیات الغیب به اتمام رسید .»

محمود میرزا پس از عزل از حکومت، به دستور پدر مدّت شش ماه در تهران ماند و همچنان مورد بی مهری پدر بود تا این که در سال ۱۲۴۴ ق دوباره به حکومت نهاوند منصوب شد، سپهر نیز همراه وی به آنجا رفت. چون محمود میرزا وارد نهاوند شد، بعضی از مردم لرستان که از حسام السلطنه بیم داشتند، دور محمود میرزا جمع شده و بار دیگر سبب اشتعال کینه محمود میرزا نسبت به حسام السلطنه شده و آتش نزاع میان دو برادر را مشتعل ساختند که این بار چهار ماه ادامه یافت ،

اختلافات میان دو برادر و نزاع های آنان با یکدیگر نارضایتی مردم را در پی داشت. از این رو، مردم شهر به حاجی محمد مهدی مولوی مشهور به نهاوندی که مردی حکیم و فاضل دانشمندی بود، متوسّل شدند. وی نیز نامه ای به حسام السلطنه نوشت و اسراری از محمود میرزا برای او بازگو کرد. اتفاقاً این نامه به دست محمود میرزا افتاد و محمود میرزا دستور قتل او را داد و میرزا ابوالحسن خان امید نهاوندی را نیز به جرم هم دستی با وی کور کرد. در دیوان اشعار میرزا ابوالحسن خان امید نهاوندی آمده:

چون محمود میرزا به قصد تصاحب تاج و تخت سلطنت عده ای را تجهیز می کند، امید با مولوی که او هم یکی از

دیوانیان و خود اهل شعر و عرفان بوده، مقاصد پسرعمّ شاه را برای شاه می نویسد و چون تمام راه‌ها تحت کنترل عساکر محمود میرزا بوده، کاغذ را در زیر سمّ اسب پنهان می کنند که زود کشف می شود و شاهزاده دستور می دهد امید و مولوی را احضار کنند و در مجلسی که به همین منظور تشکیل شده بود، از شاعر شوریده دل سؤال می کند که اگر شخصی به ولی نعمت خود خیانت کند، سزایش چیست؟ امید هم غافل از همه جا فی البداهه می گوید: چشم اگر مستی کند، از کاسه بیرونش کنم. آنگاه از مولوی سؤال می کند، او هم می گوید: جان اگر سختی کند، یکبارہ معدومش کنم ،

به نوشته میرزا فضل الله خاوری شیرازی: «مولوی نهایندی را به ظهور اندک جرمی از صدمه طناب ستم از میان برداشت و نام این بی رحمی را «سیاست مدن» گذاشت . «اما مؤلف حدیقه الشعرا قتل مولوی و کور شدن امید نهایندی را به دستور همایون میرزا می داند و علی رضا میرزا قاجار مؤلف تذکره بستان العشاق نیز در این باره با وی هم عقیده است.

عاقبت سپهر بار دیگر میان حسام السّلطنه و محمود میرزا صلح برقرار کرد:

چندانکه محمود میرزا را از این کار شنیع منع کردم مفید نبود و جمعی در میانه مقتول گشت، هم عاقبت به حجّت‌های محکم و براهین روشن، شاهزاده محمود را نرم کردم و در میان او و حسام السّلطنه پیوستگی دادم تا به زحمت و محنت تمام از قلعه به زیر آمده، روانه بروجرد گشت و از دنبال او من بنده، زن و فرزند و احمال و اطفال او را به بروجرد حمل دادم ،

در پی آشتی میان برادران، حکومت نهایند بار دیگر از آن همایون میرزا برادر تنی محمود میرزا شد. چون محمدحسین میرزا حشمت الدوله در ۱۲۴۵ ق حاکم کرمانشاه گردید، مردم خوزستان و لرستان به گرد وی جمع شدند و بار دیگر فتنه انگیختند و زمینه نزاع میان شاهزادگان قاجاری یعنی حسام السّلطنه، همایون میرزا، شیخعلی میرزا، حشمت الدوله و محمود میرزا را در غرب کشور فراهم آوردند. این اختلافات میان شاهزادگان در غرب کشور همچنان به قوّت خود باقی ماند تا اینکه در ق ۱۲۴۷ جنگ میان حشمت الدوله و حسام السّلطنه حاکم بروجرد و بختیاری شعله ور گشت. سپهر دو فصیده مطوّل در این باره سروده که در کتاب ناسخ التّواریخ مسطور است ،

میرزا فضل الله خاوری شیرازی که از بزرگان عصر قاجاری است و تألیفات متعددی دارد، چون مدّت‌ها در نهایند زندگی کرده و سال‌ها وزارت آن ناحیه را در عهد حکمرانی همایون میرزا بر عهده داشته، در اثر خود تذکره خاوری اشاره‌ای به سرنوشت مردم ایران کرده و به طور مستقیم و غیرمستقیم پرده‌ای از کارهای ناشایست شاهزادگان قاجاری چون محمود میرزا و همایون میرزا که حکومت نهایند را داشته‌اند، برداشته است. وی محمود میرزا را اینگونه توصیف می کند:

در مراحل جلالت بزرگی صاحب قانون و روپّه‌ای است. شاهزاده‌ای است غیور و پیوسته سرمست از باده غرور، با وجود خویش احدی را در روزگار موجود نمی شمارد و از مقام سلطنت پای فروتر نمی گذارد. در محفل ملک‌زادگان از ایشان دور نشسته، حرفی از لا و نعم بر زبان نمی راند، زیرا که احدی را مخاطب خویش نمی داند، بی نهایت مرّبی ارباب کمال بود و جمعی کثیر از اهل هر فن را به دربار خویش پرستاری می نمود و در اکثری از فنون کمالات تبعی کامل به هم رسانیده، خاصّه در فن نظم و نثر سرآمد امثال و اقران گردیده است... در اجرای سیاست زیاده سفاک

بود. در هر فنی از فنون سواری و تیراندازی و جریده بازی با وقوف و بی باک، اکثر اوقات حریفان را در جولان بازی از ضرب جریح سر و پا می شکست و به ضرب گلوله تفنگ جسم طیور تیزبال را در هوا می خست. محمود میرزا تا مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰ق)، در حکومت لرستان باقی ماند. چون محمد میرزا با کمک میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی به تهران آمد و با نام محمد شاه بر تخت نشست، قائم مقام آن دسته از فرزندان فتحعلی شاه را که مدعی سلطنت بودند، به عناوین مختلف دستگیر و زندانی کرد. محمود میرزا نیز از جمله همین افراد بود که در ذی قعدة ۱۲۵۰ دستگیر، و روانه تهران شد و در ۱۲۵۱ق به دستور محمد شاه قاجار همراه دیگر شاهزادگان زندانی به زندان اردبیل انتقال یافت. دیوان بیگی در این باره چنین گزارش می دهد:

اما محمود میرزا با این حال در برابر شاه و وزیرش قائم مقام در مقام تصرع و تذلل بر نیامده بلکه با آنان به شوخی و مزاحی آمیخته به شماتت و سرزنش پرداخته و از فزویں به قائم مقام نوشته که معنی تقی بگیر و نقی بگیر را در گرفتاری خود فهمیدم .

محمود میرزا چندی بعد به علت شیوع وبا به تبریز منتقل گردید ولی دوباره پس از رفع بیماری به زندان اردبیل بازگردانده شد و تا پایان عمر در زندان ماند. در باب تاریخ مرگ او اطلاع دقیقی در دست نیست. تاریخ وفات او را بعد از ۱۲۷۱ق ذکر کرده اند.

محمود میرزا مهری به سجع: «شد به توفیق صانع معبود - پاسبان در رضا محمود» داشت. تصویری از محمود میرزا باقی

است که ظاهراً اثر زین العابدین حیرت نهایندی است که در فن نقاشی و خط تبحر داشته و محمود میرزا در سفینه محمود (ج ۱، ص ۲۴۲) راجع به آن سخن گفته است. به اعتقاد یوسف نهایندی:

محمود میرزا مردی مستبد و خودخواه بود و به همین جهت دوستان کمی داشت، حتی میرزا محمد شفیع را که سالها رنج تربیتش را تحمل کرده بود از خود دلگیر نمود، با قائم مقام دشمنی می ورزید. هنگامی که عباس میرزا در خراسان اقامت داشت، وزارت او به عهده میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود. محمد شاه فرزند نایب السلطنه عموی خود، محمود میرزا را که در آن موقع در مشهد بود به شام دعوت کرد ولی قائم مقام از فرستادن غذا برای آنها خودداری کرد و این امر باعث کدورت مهمان گردید. محمود میرزا که طبعی روان داشت، قصیده ای در پاسخ به عمل قائم مقام ساخته، برای او فرستاد که بیتی از آن این است:

ازل محمود را مردود شد قائم مقام
دزد دانا می گُشد اول چراغ خان ومان

به نوشته سپهر، محمود میرزا همچون پدر تاجدارش فرزندان زیادی داشته و ۳۴ فرزند از او باقی مانده که هفده تن پسر بودند: مسعود میرزا، محمد زمان میرزا، سیاوش میرزا، سلطان تکش میرزا، سلطان جهان میرزا، کیان میرزا، قآن میرزا،

عبدالباقی میرزا، سبکتگین میرزا، خسرو میرزا، مبارک میرزا، شکرالله میرزا، نعمت الله میرزا، مینکتوش میرزا، عطاء الله میرزا، حیدر میرزا و محمد میرزا.

چنان که گذشت محمود میرزا از شاهزادگان اهل قلم قاجاری بود. به واسطه آنکه در فن خط و خوشنویسی، نجوم و احکام، طب و حکمت الهی، نثر و شعر تبحر داشت، خود را از دیگران برتر می شمرد. او در شعر «محمود» تخلص

می‌کرد و از آنجا که فردی دانش‌دوست بود، همواره عده‌ای از شعرا و دانشمندان را در دربار خود گرد آورد و شعرای بسیاری مانند سپهر کاشانی، شیدا نهاوندی، عالم نهاوندی، چاکر مازندرانی، خاوری شیرازی، آزاد کشمیری و برقی خویی را پرورش داد. چنان‌که خود در سفینه‌المحمود نوشته:

قریب به سی شاعر اینک در حضرتم موطّف و چندین عالم و فاضل و حکیم و منجم از خوان وجودم جامگی خوانند ،
محمود میرزا درباره میرزا محمدعلی آزاد می‌نویسد:

چون غالب سیاقم این است که صاحبان کمال و ارباب علم را پرستاری و توجه به احوالشان دارم... برای این پاکزاد صاحب احوال خانه‌ای ابتیاع به مبلغ خطیر و دوشیزه‌ای از نوکرزادگان خویش با جهیز بسیار به او انعام و به سیاق سایر مداحان قرار دستی و وجه معتدّبهی معین. قریب به هفت سال است... زمانی که شهنشاه عالم و پادشاه اّام ... از مومی‌الیه سخن ناپسندی مسموع فرمودند، حق اینکه اگر حق بندگی من نبود البته به قتل می‌رسید .

محمود میرزا در طول حیات خود آثار ارزنده‌ای در زمینه‌های تاریخ، شعر و ادب، جغرافیای محلی به رشته نگارش درآورد که امروزه نسخه‌هایی از آنها در کتابخانه‌های خارج از کشور و کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملک، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی موجودند .

آثار محمود میرزا

۱ سفینه‌المحمود: محمود میرزا این اثر را به فرمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۰ق در ذکر اشعار و احوال فتحعلی شاه و شاهزادگان و ملتزمان رکاب و و شعرای معاصر خود در یک مقدمه و چهار مجلس نوشته و در آن به معرفی ۳۵۸ شاعر پرداخته است. مجلس چهارم در ذکر احوال خود مؤلف است. این اثر به سعی و اهتمام دکتر عبدالرسول خیام‌پور در سلسله انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران در تبریز در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است.

۲ بادیه‌بی‌خمار: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۴۲ق تألیف کرده و بیشتر ابیاتی درباره شراب سروده و همچنین ۶۲ مورد نام و کنایاتی را که به شراب اشاره دارد، آورده است. او در جدولی که در مقامات میخوارگی ترتیب داده از فرهنگ‌های مختلف اسامی مفرد و مرکب شراب را به زبان فارسی و عربی در پنج صفحه فراهم آورده است. تقریباتی شعرای دربار به نظم بر این کتاب نوشته‌اند که از آن جمله به قصاید میرزا محمدتقی منشی‌الممالک علی‌آبادی، میرزا محمد نواده میرزا قلی منشی‌الممالک، محمودخان دنبلی متخلص به خاور، سلطان حسین طالشی متخلص به نصرت، میر سید علی طهرانی متخلص به شباهنگ، میرزا محمدتقی ادب، ترکیب‌بند عندلیب کاشی، قطعه میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی، قطعه میرزا محمدعلی طهرانی و قطعه سپهر کاشانی می‌توان اشاره داشت.

۳ دل‌محمودی: این اثر را محمود میرزا در سال ۱۲۶۵ق در آذربایجان تألیف کرده است. این کتاب اطلاعات مفیدی از اوضاع اجتماعی روزگار مؤلف، وزرای ایران و جهان، شعرا و نقاشان، پهلوانان، کشتی‌گیران، تیراندازان، میرشکاران، تجار و اهل اصناف، خوانین جهان و خواتین دربار و مناطق مختلف جغرافیایی چون خرم‌آباد، بروجرد، لرستان، همدان، نهاوند، ملایر، تویسرکان، کرمانشاه، اسدآباد و تبریز به دست می‌دهد.

۴ اخبار محمدی: محمود میرزا این کتاب را در سال ۱۲۶۲ق تألیف کرده است. او در دیباچه اثر می‌نویسد: «پس از

پرداختن از «مرآت محمدی» خواستم تاریخ کوتاهی از آغاز آفرینش تا سال ۱۲۶۲ ق را بنگارم، پس رویدادهای بزرگ جهان را فهرست‌وار نگاشتم و پیشکش شاه (محمد شاه) کردم، بخش پس از نادر شاه و روزگار قاجار آن قابل ملاحظه است.»

۵، تحفه شاهی یا تحفه شهنشاهی: در اشعار فتحعلی شاه که محمود میرزا خود نیز در این اثر قصیده‌ای در مدح فتحعلی شاه دارد،

۶، گلشن محمود: تذکره‌ای در باب مدح فتحعلی شاه و فرزندان وی و احوال شش تن از فرزندان حسین قلی خان جهانسوز و خاتمه‌ای در شرح احوال مؤلف. محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۳۶ ق تألیف کرده است و در مقدمه اثر می‌نویسد:

بر طبق عرض مقدم آید و به شرح احوال اقرب اقارب نمی‌پردازد، امتتالا لأمیره‌الاشرف الاعلی این نیازمند به تقدیم خدمت مرجوعه قیام و به انجام این امر همایون اقدام نمود و این خجسته مجموعه را که از اظهار ازهار الفاظ لطیفه واز توارد در معانی دقیقه محسود بهشت موعود است موسوم به گلشن محمود ساخت به عون عنایت سبحانی به انجامش پرداخت ،

این اثر به اهتمام میر هاشم محدث در گنجینه بهارستان (تاریخ ۱) انتشار یافته است،

۷، محمودنامه: رساله‌ای در توقیعات دلکش و حکایات خوش و لطایف دلپذیر و نصایح،

۸، دررالمحمود: دیوان اشعار محمود میرزا است در دوازده هزار بیت ،

۹، بیان‌المحمود: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۴۰ ق به رشته نگارش درآورده است. بیان‌المحمود تذکره‌ای

است در یک مقدمه و دو قسمت که مؤلف در آن به معرفی ۳۰۰ شاعر پرداخته است. در قسمت اول شرح حال شاعران و در قسمت دوم اشعار آنان را آورده است. اولین شاعری که به معرفی آن پرداخته فتحعلی شاه و آخرین آنها یوسف گرجی است ،

۱۰، غزلیات: محمود میرزا به پیروی از حافظ آن را در ۱۲۰۰ بیت سروده و در پایان حضرت علی (ع) را مدح کرده است.

۱۱، سنبلستان: مؤلف آن را به پیروی از گلستان سعدی در احوال طبقه نسوان در چهار باب نگاشته است،

۱۲، منتخب اشعار: گزیده اشعار ۱۶۴ شاعر قدیم و جدید است که از فتحعلی شاه شروع شده و به محمود میرزا خاتمه یافته است ،

۱۳، مقصود جهان: سفرنامه محمود میرزا به لرستان است که مؤلف آن را در سال ۱۲۴۲ ق بنا به درخواست برادرش جهانشاه میرزا و جهت آشنایی وی با منطقه لرستان نگاشته و در آن به معرفی ابنیه لرستان پرداخته است. محمود میرزا در مقدمه اثر خود می‌نویسد:

و چنین گوید بنده شرمنده پروردگار لیل و نهار، محمود قاجار، که در یوم شنبه بیست و دوم جمادی‌الاول به طالع حوت، چهار ساعت از طلوع نیراعظم گذشته، از بلده نیکوبنیاد خرم‌آباد لرستان عنان عزیمت به سوی گرمسیر آن ملک معطوف داشت. یکی از برادران جانی که با من پیوند روح و تن و الفت گل و گلشن داشت، چنان خواهش نمود که از روز خروج تا یوم دخول، به ترتیب به تسوید منازل و عجایب و محاکا و آثار بدایع آنچه به نظر این گمنام دیار بدنامی و بدنام دیار گمنامی آمد، پردازد... چون در انجام هر کتابی لابد نامی لازم، این رساله را موسوم به نام

برادر مهربان جهانشاه میرزا انشاء نمود، چون هم او باعث که شرح این احوال پرداختم، لهذا او را مقصود جهان نام نهادم .

این کتاب از دیدگاه تاریخی و ادبی درخور توجه است. نخست آنکه ریشه‌های اختلاف جنگ‌های شاهزادگان قاجار یعنی محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله حاکم کرمانشاهان، محمود میرزا حاکم لرستان، شیخ‌الملوک میرزا حاکم تویسرکان و ملایر و حاکم لرستان فیلی و خوزستان و محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه حاکم بروجرد و سیلاخور را در غرب کشور بعد از وفات محمدعلی میرزا دولت‌شاه به تفصیل شرح می‌دهد چرا که محمود میرزا خود یکی از طرف‌های درگیر در این جنگ بوده است. دیگر آنکه مؤلف شجره‌نامه امرای لرستان فیلی را از عهد شاهوردی خان در ۱۰۰۶ق تا عهد فتحعلی شاه بیان کرده ولی شرح و بسطی از هریک ارائه نداده است . رساله مقصود جهان اگرچه از حاکمان لرستان نام برده و در آن ابنیه تاریخی و امامزاده‌ها و معجزات آنان و اعتقادات مردم را بیان کرده اما تاریخ کاملی نیست و مطالب به اختصار نوشته شده است تا رساله کوچکی در شناخت لرستان به برادرش جهانشاه ارائه دهد. بنابراین می‌توان آن را رساله‌ای در جغرافیای تاریخی لرستان نامید. محمود میرزا از احداثات خود در منطقه لرستان نیز خواننده را مطلع می‌سازد، چنان‌که می‌نویسد باغ «بوستان شاه» را در صیمره:

حسب‌الامر پادشاهی، طرح باغی در آنجا ریختم مسمی به بوستان شاه، فرسئده از خاک روم باغیان و نهال مرکبات و درخت خرما آورده، در وی غرس شد... سی پارچه ده بنا شد در آنجا احداث شود .

و باغ «گلستان خاقان» را در جایدرد:

مرا در این ملک به نام پادشاه عالم پناه، باغی احداث که آن باغ مسمی به گلستان خاقان است. بتای صاحب وقوفی که در استادی و طرّاحی بی عدیل بود، احضار کرده که به طرح باغ مشغول گردد .

محمود میرزا علاوه بر اطلاعاتی که درباره تاریخ و جغرافیای لرستان به دست می‌دهد، به ثبت اشعاری از خودش و شعرای هم‌عصرش چون لسان‌الملک سپهر و میرزا عبدالوّه‌اب متخلص به قطره نیز پرداخته است. برای نمونه محمود میرزا پس از آنکه ظاهراً مدّت پنج ماه بعد از فوت خواهر خود ضیاء‌السلطنه دست به قلم نبرده بوده، قصیده‌ای در تعزیت ایشان انشاد و تحریر کرده است:

مرا داغ بر دل نهادست بی‌حد
مرا خاک بر سر فشاندهست بی‌مر
بسی زخم از او به دل، جمله کاری
به ویژه ز مرگ یکی پاک خواهر
نه یک تن ز من برده از کینه گردون
که یک عالم جان برون برده از بر
نه اخت من این بود، نه دخت خسرو
همی آیتی بود از لطف داور
به عفت رفیق او، به اطوار مریم
به عصمت شریک او، به زهرای ازهر

به نظم اندرون، خوش توانا بیانی
به خط اندرون، خوش نویسی توانگر
به حسن اندرون، آفتابی فروزان
به خلق اندرون، جنتی روح پرور

محمود میرزا در پایان جهان‌شاه میرزا را پند و اندرز می‌دهد که همواره در زندگی خود به عدل بگراید و دشمن مال باشد نه مال و هرگز خداوند را فراموش نکند و ایمانی محکم داشته باشد ،

، ۱۳ رساله مقصود جهان به تصحیح هارون و هومن در سال ۱۳۸۴ در انتشارات گوهر منظوم به چاپ رسیده است. بار دیگر ناصر افشارفر آن را بر اساس نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی تصحیح انتقادی کرد و در گنجینه بهارستان به چاپ رساند،
، ۱۴ پرورده خیال: در مکاتبات عاشق و مشعوق که مؤلف این اثر را به خواهش تاج‌الدوله همسر فتحعلی شاه نوشته است ،

، ۱۵ میکی‌العیون: در تغزیه که مؤلف آن را در ۱۰۰۰ بیت آورده است،

، ۱۶ کتاب حدیث: این اثر در زمان مؤلف به چاپ رسیده است. محمود میرزا در پایان آن آثار خود را به طور مختصر معرفی کرده است ،

، ۱۷ مخزن‌المحمود: در احوال عارفان، کرامات و خوارق عادت آنان است ،

، ۱۸ تذکره‌السلّاطین: محمود میرزا در این اثر تاریخ ایران را از آغاز تا سال ۱۲۴۶ ق در ۲۰ باب: پیشدادیان، کیانیان، ساسانیان، اموی، صفاری، سامانی، عباسی، غزنوی، غوریان، بویه‌یان، سلجوقیان، اسماعیلیان، قراخانیان، مغولان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان، افشاریان، زندیان و قاجاریان به رشته نگارش درآورده است اما تاریخ دوره قاجاریه را به تفصیل نگاشته به طوری که یک سوم کتاب را در بردارد. محمود میرزا زندگینامه مردان نامی روزگار قاجار را شرح داده و راجع به اصناف آن عصر نیز سخن گفته است ،

، ۱۹ منتخب‌المحمود: در ذکر احادیث و معجزات خاتم‌الانبیاء،

، ۲۰ نصیحت‌المسعود: محمود میرزا این اثر را در اندرز و نصیحت به پسرش مسعود میرزا نوشته است ،

، ۲۱ رؤیای صادقه: رساله‌ای است راجع به رؤیایی که فتحعلی شاه را در عالم رؤیا به نظر رسیده و تأثیر کلی بخشیده است ،

، ۲۲ صاحب‌نامه: مثنوی است در چهارده باب و دیباچه‌ای به نثر که در آن از خود سراینده و کتاب نام برده و از

حسام‌السلطنه و والده امیرزاده که به دستور او این مثنوی سروده شده یاد شده است. به نوشته شیخ آقابرگ طهرانی نسخه این اثر با دیوان

محمود میرزا در کتابخانه ملک و مجلس موجود است،

، ۲۳ محمود‌المراثی،

، ۲۴ مهر خاوری: در ۱۰۰۰ بیت که گزیده اشعار محمود میرزا است. این اثر به سعی میرزا معصوم خاوری

کوزه‌کنانی فراهم شده و در مقدمه احوال و آثار محمود میرزا آمده است،

، ۲۵ ضیاء‌المحمود: مؤلف آن را درباره بیماری‌ها بویژه وبا نوشته است،

، ۲۶ دیوان اشعار،

، ۲۷ مرآت محمدی: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۵۵ ق در آذربایجان و به دستور محمد شاه در ذکر جلوس محمد شاه و شرح احوال رجال، نسوان، معبران، منجمان، فقیهان، حکیمان، خطاطان، منشیان، امرا، وزرا، عرفا و شعرا تألیف کرده و «باغ پر گل» تاریخ کتابت آن است ،

، ۲۸ نقل مجلس: تذکره‌ای درباره شرح احوال سی زن شاعر که در داخل قلمرو جغرافیای ایران و خارج از آن می‌زیسته‌اند و آثاری از خود به زبان فارسی به یادگار گذاشته‌اند. این اثر گواه ارزش هنری و پایه اندیشه زنان شاعر فارسی‌گو در روزگاری است که زنان در پرده جهل و خرافه‌پرستی روزگار را سپری کرده و غالباً از نعمت سواد محروم بودند. محمود میرزا درباره تألیف این اثر می‌نویسد:

چون درین زمان میمون و عهد همایون طبایع به فنون کمالات مایل عاجل آمد، چنان که آن شیوه از مردان تجاوز کرده به زنان هم سرایت کرده، گاهی از پرده‌نشینان خاطر که شرم مهر و ماه و غیرت آفتاب بی‌اشتباه بود به لباس بروز در می‌آوردند، درین حال لازم افتاده که از اشعار ایشان به قدر وسع و تتبع پذیرا کرده، کتابی ترتیب دهد و آن کتاب را مسمی به نقل مجلس نماید .

تذکره نقل مجلس مشتمل بر چند بخش است. مؤلف ابتدا درباره شرح حال دختران شاعر فتحعلی شاه، سپس زنان وی و بعد دیگر زنان شاعر ایرانی و غیر ایرانی سخن گفته اما متأسفانه شرح احوال و آثار زنان قاجاری را به اختصار بیان کرده است، با این وجود، مؤلف چون با شعرای ایرانی این کتاب هم زمان و خویشاوند بوده، اظهاراتش درباره آنان جالب و در خور توجه است. محمود میرزا در این اثر به شدت بر عصمت و عفت این زنان شاعر قاجاری تأکید دارد و در پاره‌ای از موارد راه اغراق پیموده، چنانکه در شرح احوال «طیبه» می‌نویسد: «در شیرین‌زبانی و نکته‌دانی مسلم عهد، بلکه در سایر قرون همچو او موجود نبوده.»

محمود میرزا در کنار ذکر شرح احوال یکی از زنان شاعر غیر ایرانی، یعنی «مخفی»، درباره اوضاع جغرافیایی هند و شاه جهان‌آباد اطلاعاتی هر چند مختصر نیز به دست می‌دهد و مدعی است که پانزده سال قبل از تألیف نقل مجلس، دیوان مخفی را دیده و بعد آنچه را در خاطر داشته، نوشته و تعدادی از ابیات رکبیک وی را حذف کرده است.

محمود میرزا در نقل مجلس نام زنان شاعر و خوشنویسی را که زیردست او تعلیم شعر و خط می‌دیدند و حتی تخلص شعری خود را از او گرفته‌اند، نام می‌برد. درباره دیگر آثار خود مانند پرده خیال نیز خواننده را مطلع می‌سازد. محمود میرزا در باب تراجم مجلس چهارم مطالب ارزشمندی ارائه نمی‌دهد و در پاره‌ای از موارد حتی مرتکب اشتباه نیز شده است .

از تذکره نقل مجلس نسخه‌هایی در تبریز، کتابخانه ملک، کتابخانه ملی و کتابخانه اصفهان موجود است. این اثر به تصحیح دکتر

محمد رضا نصیری و نادره جلالی در مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است. چاپ دیگری از این اثر توسط آقای بابک دشنوزاده انتشار یافته است،

، ۲۹ مجمع محمود: محمود میرزا مجموعه‌ای از تألیفات خود را که مشتمل بر دوازده کتاب: خرقة محمودی، سفینه‌المحمود، منتخب‌المحمود، گلشن محمود، مخزن محمود، دیوان، نقل مجلس، سنبلستان، پرورده خیال،

مقصود جهان، محمودنامه، رویای صادق، بیان‌المحمود است در سال ۱۲۳۵ ق در یک مجلد به نام - مجمع محمود گردآوری کرده است. او در کتاب دیگرش سفینه‌المحمود راجع به این اثر می‌نویسد: بخ‌خ از «مجمع محمود» که اوراق نکوش از پریشانی ایام پریشان نشود مشکل عقل جهان‌دیده نگردد آسان هم ازین مجمع اگر مشکلیش آسان نشود فردی از منتخبش گر بر حسن خوانند نیست مرصف اگر از گفته پشیمان نشود چه کند شاعر شروان اگر از خجلت آن سوی دربند عدم راست ز شروان نشود الغرض گشت چو این مجمع محمود تمام به طریقی که در آفاق به از آن نشود خواست محمود چو از پیر خرد تاریخش گفت «این مجمع محمود پریشان نشود»

از دیگر آثار متعددی که از محمود میرزا باقی مانده سوالاتی است که از شیخ احمد احسائی کرده و جواب‌هایی که وی به او داده است، زیرا شیخ احمد احسائی در سال ۱۲۳۴ ق با محمود میرزا در نه‌اوند ملاقات‌هایی داشته و پرسش و پاسخ‌هایی بین آنها مطرح شده که ظاهراً این پاسخ‌ها در اثر شیخ به نام جوامع‌الکلام آمده است. پرسش‌ها و منابع پاسخ‌ها نیز در کتاب فهرست شرح حال احمد احسائی و سایر مشایخ عظام و شرح احوال ایشان تألیف ابوالقاسم بن زین‌الدین که در دو مجلد در کرمان به چاپ رسیده، آمده است. نسخه خطی جواب‌های محمود میرزا بر رد عقاید شیخ نیز در کتابخانه شیخ حسین جندقی در کربلا موجود است.

، ۳ سفرنامه خوزستان/ عهد حسام: این اثر درباره جغرافیای تاریخی بعضی از شهرهای لرستان و خوزستان و نام‌امکنه و شرح حال علما و دانشمندان آنجا مطالبی به دست می‌دهد و با کتاب مقصود جهان در بعضی مطالب مشابهت‌هایی دارد. متأسفانه صفحات آخر کتاب از میان رفته است. میکروفیلمی از این نسخه خطی به شماره ۱۰۴۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

درباره تاریخ صاحبقرانی

تاریخ صاحبقرانی از جمله منابعی است که در عصر پادشاهی فتحعلی شاه در باب تاریخ خاندان قاجاریه نگاشته شده است. محمود میرزا نگارش آن را به دستور پدرش، فتحعلی شاه، در ربیع‌الآخر ۱۲۴۸ ق آغاز کرده و در سال ۱۲۴۹ ق به پایان برده است. سبک نگارش او ساده و روان، و در شرح رویدادهای تاریخی مانند دیگر وقایع‌نگاران عصر قاجار به صورت سالشمار است.

محمود میرزا کتاب خود را در دو جلد نگاشته است. جلد اول: مشتمل بر حوادث تاریخی از سال ۱۱۹۰ ق تا ۱۲۱۲ ق. او مطالب این جلد از کتاب خود را با شرح دودمان قاجار از دوران فتحعلی خان قاجار آغاز کرده و تلاش‌های او را

برای دستیابی به قدرت به تصویر کشیده است. آنگاه چگونگی به قدرت رسیدن سلسله قاجاریه را به اختصار شرح داده است. او در این راستا چنانکه اظهار می‌کند قصد شرح مسائل تاریخی را به طور تفصیل نداشته، از این رو به اجمال و اختصار حوادث تاریخی اوایل سلسله قاجاریه، جریان رفتن فتحعلی خان قاجار به اصفهان به جهت کمک به شاه سلطان حسین صفوی، پیوستن وی به شاه طهماسب سوم، ماجرای کشته شدن محمدحسن خان قاجار را بیان کرده و سرگذشت آقا محمدخان و دوران حکومت وی را شرح داده است.

جلد دوم: مشتمل بر وقایع سالهای ۱۲۱۲ق تا ۱۲۴۸ق.

محمود میرزا در مقدمه کتاب علت نگارش این اثر را چنین می‌نویسد:

مفصلاً چون تفصیلات احوالات و غزوات این برگزیدگان یزدانی را مجملی که حاکی از مفصل باشد، کسی ننوخته است و اگر چیزی نوشته باشند، چندان میل خاطرها به آن ترسیلات نیست، در حقیقت نشانی از آن نامها در میان نمانده، ذکری به زبان می‌شود آن هم به حکایت، کلیات امورات را حسب الامر پادشاهی مقرر شد که به نگارش این بنده درآمده، ضمیمه وقایع دولت و عنوان آن کتاب مستطاب گردد .

و چنانکه در پایان کتاب آورده:

از روزی که فرمایش در نگارش این کتاب شریف و بیان لطیف آمد، گزارشات نیکو و واردات خجسته به سمع مبارک پادشاهی روز به روز رسید که هر یک شامل بود بر فتوحات لاتعدّد و بشارت‌های بی‌عدد، حتی آنکه خاتمه کتاب نیز به داستان عیش و عروسی ختم گردید .

محمود میرزا در روز جمعه چهاردهم رجب‌المرجّب تحریر وقایع و سوانح و حوادث صد و پانزده سال دولت سلاطین قاجار را به پایان برده است .

محمود میرزا ظاهراً پس از پرداختن آن، در محرم ۱۲۵۶ق کتاب دیگری با نام تاریخ قاجاریه نگاشته است .

در جلد نسخه آمده: «این کتاب تاریخ صاحبقرانی از تألیفات جناب محمود میرزا در شهر سنه ۱۲۴۸ هنگامی که به مشهد مقدس تشریف می‌بردند، در سمنان به نواب اشرف والا بهاءالدوله بهمن میرزا بن فتحعلی شاه قاجار تعارف کرده، بعد از آن مقبول نواب علی‌قلی میرزا شد و ثانیاً در شهر سنه ۱۲۶۲ در کتابخانه نواب اشرف بهاءالدوله وارد، ضبط شد.»

در قسمت پایین آن نیز آمده: «کتاب تاریخ صاحبقرانی داخل کتابخانه شاهزاده خسرو رضوان‌مآب فتحعلی شاه قاجار اونی کتابه پنج‌شنبه یوم‌الحساب نواب مستطاب جناب شاهزاده علی‌قلی میرزا زیده اقباله و دام اجلاله شد به تاریخ شهر ذی‌القعدة «۱۲۶۱»

تاریخ صاحبقرانی به دست یکی از فرزندان شاه تألیف شده و تاریخی درباری و فرمایشی به شمار می‌رود، از این رو از هرگونه تحلیل‌های تاریخی و دیدی انتقادی خالی است و مؤلف از ثبت تاریخ اجتماعی آن عصر دوری جسته و تنها به شرح احوال بزرگان و خوانین و درگیری شاهزادگان با یکدیگر بسنده کرده و راه تعریف و تمجید و ثنا از شاه و شاهزادگان قاجاری را پیموده است، اما صرف‌نظر از موضوعات ذکر شده، به شکلی شاید ناخواسته مسائل مهمی

را مطرح کرده است. یکی از آن مباحث، ویژگی ساختار قدرت سیاسی دولت قاجاریه یعنی مطلق‌گرایی سیاسی است که محمود میرزا برای خواننده به تصویر کشیده است. او می‌نویسد: «شاه هرکاری بکند حاکم است و بنده باید آن را بپذیرد.» به عبارتی محمود میرزا نوع حکومت خودکامه را که در آن کلیه اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها با شخص شاه است و انبوه مردم، بندگان او و او ولی‌نعمت همه آنها و حکم پادشاه همیشه قانون ملک و عقل او مدرک حسن و قبح همه چیز، به خوبی ترسیم می‌نماید.

محمود میرزا همچنین اعمال پلید و غیر انسانی آقا محمدخان قاجار، فتحعلی شاه و دیگر شاهزادگان قاجاری را که در قتل‌های بی‌شمار و ریختن خون افراد و مجازات، غارت و اسیر گرفتن خلاصه می‌شد، با عناوینی چون شجاعت، دلاوری و دادگری یاد کرده اگرچه در برخی موارد نیز عنان قلم را از دست داده و به فصاحت قوم و خویشان خود اعتراف کرده است. برای نمونه در فتح تفریس می‌نویسد:

هفتاد نفر از بندگان اراکلی خان والی و دل‌بستگان تفریسی را گردن زدند... چون آقا محمد خان قاجار به غارت تفریس و اسیر نمودن گرجیان اجازت داد گالش‌های سفر کشیده به حوران گرجی رسیده، قیاحت و فصاحت بالا گرفت... پانزده هزار نفر از کودکان و زنان و خوشگلان نصاری به دست آمد و به خدمتکاری اهل اردو که از زمره خدایپرستان بودند از عبده اصنام اقدام در تقدیم هر کاری از آنها گردید .

محمود میرزا صرف‌نظر از مقام سلطنت، نقش کلیدی و حساس شاهزادگان قاجاری را در ساختار سیاسی جامعه تشریح کرده است. شاهزادگانی که از یک سو اساس سلطنت و حکومت ایل قاجار را تضمین می‌کردند و از دیگر سو در شرایط ضعف دولت مرکزی از عوامل بحران‌زا به شمار می‌رفتند. او در کتاب خود اشاراتی به بیماری مهلک و موروثی «طمع در کسب قدرت و مقام» دارد و از درگیری شاهزادگان قاجاری با یکدیگر بر سر کسب قدرت سیاسی بیشتر به ویژه در دستیابی حکومت ولایات مرزی سخن گفته است. همچنین اشارات کوتاهی به نقش مؤثر برخی افراد در نزاع‌های میان شاهزادگان قاجاری با یکدیگر و یا عزل و نصب حاکمان ولایات داشته است. برای نمونه سعایت اطرافیان حسام‌السلطنه را در بدبینی او نسبت به خودش بسیار مؤثر دانسته تا آنجا که می‌نویسد: نوکرانی که می‌خواستند انجام امورات حسام‌السلطنه به‌جای دلخواه بکشند، حسام‌السلطنه را چندان از من مخوف و هراسان آوردند که مافوق آن متصور نبود تا به خرم‌آباد در ابهرطور بود، رفتیم. در آنجا اطوارشان بدتر از رفتار سابق آمد، محض از بودن من بنده به آن احوال در قصبه خرم‌آباد باز معشر و محشری از الوار به پا شد، خواص حسام‌السلطنه دانستند که کارهای پخته خام خواهد شد، عذر مرا به روانه نمودن بروجرد خواستند .

محمود میرزا همچنین از تلاش اکثر لرستانی‌ها به ویژه میرزا عبدالله، وزیر لرستان، در عزل حسام‌السلطنه از حکومت لرستان و رسیدن خودش به حکومت آن ناحیه سخن گفته است. در چهار فرسنگی بروجرد قاصدی با نوشته‌جاتی از اکثر لرستانی‌ها آمد که تا به امروز را به چشم‌داشت توقف تو در لرستان حرکتی نکردم، بعد از یأس و ناامیدی حقوقات را سجل کرده که به روزگار تیره و روز سیاه چاره‌جویی‌رسان است و امکان خدمت با حسام‌السلطنه ما را نیست. سکوت مرا گویا موجب رضا دانستند و پنداشتند این‌جانب وارد بروجرد شده، حسام‌السلطنه از خرم‌آباد وارد الشتر گردید. میرزا عبدالله وزیر لرستان استخلاص خود را به دروغ حجت دید و تمسک سپرد به مبلغ گزارفی لرستان را اجاره کرده، به بهانه آنکه باید پول فراهم آورده به میان طوایف رفت و دوازه هزار خانه‌دار دلفان یک‌دل و یک‌زبان از خدمات حسام‌السلطنه دوری جسته، بالمره به کوهستان لرستان رختند و میرزا عبدالله وزیر به هدایت محمدرضا بیگ کرایلی عازم کرمانشاهان شدند .

از دیگر نکاتی که محمود میرزا در کتاب خود به آن پرداخته حوادث تاریخی نقاط مرزی کشور است. او به نقش مهم شاهزادگان حاکم این ولایات مرزی در هرم قدرت توجه داشته است. از این رو، به منطقه خراسان به عنوان یک منطقه مهم که غالباً افراد شورشی و یاغی به واسطه دوری از مرکز حکومت در آنجا اجتماع کرده تا قدرت سیاسی لازم را کسب کنند، اهمیت ویژه‌ای داده و حوادث مهم تاریخی آن منطقه را بازگو کرده است. او در این راستا، از تلاش بازماندگان سلسله افشاریه در جهت کسب قدرت سیاسی سخن گفته و نقش و تدبیر سیاسی محمدولی میرزا را طی چهارده سال حکمرانی بر این منطقه به تصویر کشیده است. درگیری‌های امرای خراسان با محمدولی میرزا و دولت قاجار، درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر بغداد و درگیری افغان‌ها و اوزبک‌ها با حکم ایرانی را به اختصار شرح داده است. اما متأسفانه از بیان جنگ مهم محمدولی میرزا با صوفی اسلام، از بزرگان فرقه نقشبندیه، به صورت کوتاه و گذرا عبور کرده و به طور مختصر به تشریح آن پرداخته است.

محمود میرزا در باب سیاست خارجی ایران نیز راه غفلت نیپموده و به روابط دولت ایران با دول روس، عثمانی، انگلیس و فرانسه توجه داشته و به تشریح جنگ‌های ایران و روس که از مهم‌ترین رویدادهای عصر فتحعلی شاه بوده، پرداخته و اطلاعاتی هر چند مختصر پیرامون این مسئله به خواننده عرضه داشته است.

محمود میرزا همچنین ضمن بیان مطالب تاریخی به طور ناخودآگاه ریشه اختلافات حکام تالش و دولت ایران را که در دوران آقا محمدخان آغاز شد و در عصر پادشاهی فتحعلی شاه حادث گردید، تشریح کرده و به بررسی نقش قوم تالش در دوره جنگ‌های ایران و روس در عصر فتحعلی شاه پرداخته است. محمود میرزا در واقع آن هنگام که از قیام مرتضی‌قلی‌خان بر ضد برادرش آقا محمدخان در گیلان و گریختن وی به استرآباد و سپس پناهنده شدنش نزد حاکمان تالش و شیروان سخن می‌گوید و کمک‌های میرمصطفی‌خان تالش را به وی شرح می‌دهد که مرتضی‌قلی‌خان چگونه به یاری وی توانست با آقا محمدخان وارد جنگ شود و مدت کوتاهی امور گیلان را در دست گیرد، نخستین زمینه این اختلافات را بیان کرده است. به ویژه آنکه طی نبردی قوای آقا محمدخان در ۱۲۰۹ ق به فرماندهی جان محمدخان قاجار از قوای میر مصطفی‌خان شکست خورد و مجبور به عقب‌نشینی شد. این ضدیت‌های موجود میان حکام تالش و دولت ایران در عصر فتحعلی شاه عمق بیشتری یافت و تدریجاً سبب تمایل خوانین تالش به روسیه شد. برخی منابع چون «اخبار نامه» علت ضدیت فتحعلی شاه را با میر مصطفی‌خان بر سر مسئله خواستگاری دختر وی بیگم آغا جهت ازدواج با محمدعلی میرزا ذکر می‌کنند. چنان‌که میرزا احمد لنکرانی می‌نویسد چون میر مصطفی‌خان به پیشنهاد شاه جواب رد داد و نوشت: «اگر چه نام شما پادشاه است اما من خود را کمتر از شما به حساب نمی‌آورم» فتحعلی شاه رنجید. اما بر اساس اسناد و منابع تاریخی علت اصلی خشم شاه به وی، به شکست قوای شاهی در تالش از نیروهای میر مصطفی‌خان باز می‌گشت که چندین بار تکرار شده بود. عدم یاری میر مصطفی‌خان به قوای شاهی که همراه حسین‌قلی‌خان حاکم بادکوبه عازم حمله به نیروهای روسی بودند، از دیگر عواملی می‌توان برشمرد که به این اختلافات دامن زد.

در واقع با نگاهی به زندگی میر مصطفی‌خان در می‌یابیم وی هنگامی که خبر پیروزی قوای ایران را در جبهه‌های شمال ارس و کشته شدن سیسیانوف را در باکو شنید، به سوی دولت ایران متمایل شد ولی پس از مدت کوتاهی با مشاهده تغییر اوضاع به نفع دولت روسیه به آنان تمایل یافت و تحت حمایت آن کشور قرار گرفت. هجوم به تالش و فتح قلعه لنکران که سپاهیان قاجار با کمک انگلیسی‌ها انجام دادند و به موجب آن تعداد زیادی از املاک طرفداران میر مصطفی‌خان نیز به آتش کشیده شد و اموال آنان غارت گردید و گروهی از طرفداران وی به سپاهیان قاجار پیوستند، از جمله عواملی بود که سبب شد میر مصطفی‌خان برای ادامه مبارزات خود از روس‌ها کمک بگیرد. اگرچه او توانست مناطق تالش جنوبی را زیر فرمان خود درآورد ولی قادر به بازپس‌گیری قلعه لنکران نشد تا اینکه روس‌ها این منطقه را گرفتند و اندکی بعد میر مصطفی‌خان نیز درگذشت.

با انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای که بخش شمالی تالش به موجب آن به روس‌ها واگذار شد، میر حسن خان به تصور آنکه با کمک دولت ایران خواهد توانست تالش را از روس‌ها باز پس گیرد، در بخش جنوبی تالش مقیم شد و از عباس میرزا نایب‌السلطنه درخواست یاری کرد اما چون از گفت‌وگوهای خود با عباس میرزا نایب‌السلطنه نتیجه‌ای نگرفت، به مبارزات خود ادامه داد ولی در هر حال براساس عهدنامه ترکمن‌چای از سوی هر دو دولت یاغی شناخته شد و سرانجام بر اثر دسایس برادرانش در آستاراچای دستگیر و به دولت ایران تحویل داده شد. دولت ایران نیز او را در آق قلعه خلخال زندانی کرد ولی او از آنجا گریخت و مبارزات خود را علیه روس‌ها پی گرفت و مدتی در جنگل‌های سیاه کوه پنهان شد اما عاقبت تسلیم دولت ایران گردید و این بار چون در خاک روسیه قیام کرده بود، روس‌ها خواستار استرداد وی شدند ولی ظاهراً در همین ایام در تهران مسموم شد و به قتل رسید .

محمود میرزا مانند دیگر مورخین قاجاری در لابلای بیان مطالب تاریخی از مدح و ثنای شاه غافل نمانده و کوشیده شوکت پادشاهان قاجاری را حفظ کند. بنابراین درباره علّت قتل آقا محمد خان و تهدیدی که او خادمین خود را کرده و آنها در واقع برای حفظ جان خود مبادرت به قتل وی کرده‌اند، راه سکوت برگزیده است. محمود میرزا از آنجا که خود از شاهزادگان با فضل قاجاری بوده و با متون نظم و نثر ادبیّات فارسی آشنایی داشته، در لابلای تبیین وقایع تاریخی از اشعار خود و دیگران نیز بهره برده و به ثبت آنها پرداخته و بر ارزش اثر خود افزوده است . از دیگر ویژگی‌های تاریخ صاحبقرانی اطلاعات جغرافیایی است که مؤلف به دست داده است. یگر ارائه اطلاعات آماری راجع به شیوع بیماری وبا و طاعون در بلاد ایران که بیش از پانصد هزار نفر را به کام مرگ کشاند ، تاریخ صاحبقرانی به جهت درج آثار و ابنیه تاریخی لرستان نیز حائز اهمیّت است .

اطّلاعاتی که مؤلف پیرامون زندگانی و آثار خود به دست می دهد، از دیگر وجوه ارزشی این اثر می توان برشمرد. برای مثال محمود میرزا در برخی موارد درباره آثار خود سخن گفته و در پاره ای از اوقات از نحوه رفتار پدرش با خود شکوه سر داده است ، یا در تشریح سفر همایونی به کاشان و تفرّج در باغ فین که از ملتزمین رکاب همایونی بوده از سرایش غزلی از خود خبر می دهد که بسیار مورد طبع شاه واقع شده به طوری که دستور می دهد وی مطلع آن بیت را به خط نستعلیق بر روی دیوار باغ فین بنویسد .

در خاتمه باید گفت نثر مؤلف ساده و روان است، ولی در بعضی موارد به دلیل اشکالات نگارشی جملات فاقد سلاست و روانی است و فعل و فاعل و مفعول به صورت صحیح در جای خود به کار نرفته است . برای مثال :
«چندان اظهار به آنچه داشت نمی‌کرد بلکه پنهان داشت اغلب اسرار خود را.»

نسخه خطّی مور د استفاده و روش تصحیح نسخه هایی از تاریخ صاحبقرانی در کتابخانه ملّی، کتابخانه موزه بریتانیا، لنینگراد، دانشگاه تلری جانف، منچستر بیٹی و بانک‌ی پور موجود است .

در تصحیح متن حاضر از نسخه خطّی کتابخانه ملّی استفاده شد . این نسخه با خط نستعلیق و محتملاً در تهران و شاید به خط مؤلف نگاشته شده است . در تصحیح متن حاضر با حفظ امانت، در جایی که کاتب بعضی کلمات را

سهواً غلط ضبط کرده بود، صورت صحیح آن در متن و کلمات غلط در زیرنویس ذکر شد . در مواردی که ضبط برخی اسامی در متن متفاوت بود، یکدست گردید. در بخش تعلیقات نیز با استفاده از منابع و مآخذ معتبر شرح و توضیحات مختصری برای روشن تر شدن متن و حل پاره ای از مبهمات داده شد تا از مشکلات متن کاسته شود . همچنین این اثر با منابع و مآخذ معتبر آن عصر چون مآثر سلطانیّه، ناسخ التّواریخ، تاریخ روضه الصفاى ناصری، اشرف التّواریخ، تاریخ ذوالقرنین مقابله گردید و وجوه اشتراک و افتراق آنها منعکس شد .

سپاسگزاری

در پایان، بایستی از تمام عزیزانی که در این راه مرا یاری دادند، تشکر کنم . ابتدا باید از استاد گرانقدرم زنده یاد دکتر عبدالحسین نوایی یاد کنم که انگیزه چاپ آثار محمود میرزا را در ذهنم ب رانگیختند و همواره در کارهای پژوهش‌ام از فیض دانش و راهنمایی های ارزنده ایشان بهره مند بوده‌ام. سپاس دیگرم از استاد محمد گلین است که در حل پاره ای از ابهامات متن به یاریم شتافتند . همچنین از همکاران ارجمندم در بخش کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خانم‌ها سهیلا سادات تیموریان، افسانه شفاعتی، شریفه مهدی پور و نعمیه مشهدی علی محمد که همیشه در نهایت بردباری و با گشاده‌رویی منابع را در اختیارم نهادند و به یاریم شتافتند، سپاسگزارم.

در خاتمه امیدوارم این اثر مورد توجه اهل فضل و دانش قرار گیرد و مرا از راهنمایی‌های نقادانه خود بهره‌مند سازند.

نادره جلالی